

# زیارت در سیره علمای امتحان

محمود شریفی



وقتی به تاریخ حوزه‌های علمیه و زندگی علماء می‌نگریم، می‌بینیم نه تنها آنان به زیارت قبور معصومان و بزرگان دین اهمیت می‌دادند بلکه ترجیح می‌دادند که در حد امکان، محل اقامت و درس و بحث خود را نیز نزدیک قبور مقدسه آنان قرار دهند. از این‌روست که بیشتر حوزه‌های علمیه جهان تشیع، در کنار قبور معصومین (علیهم السلام) تأسیس شده است.

در بررسی و مطالعه زندگی علماء نیز درمی‌باییم که عموماً مقید بودند قبور ائمه بزرگوار و حتی قبور فرزندان ایشان را به طور مرتب زیارت کنند و از فیوضات آنها بهره ببرند. بنابراین سیره عملی همه علماء در زیارت معصومین و فرزندانشان، یک سیره مستمر و باز است. از این‌رو در این مقاله برآئیم<sup>۱</sup> تا بیشتر در آداب زیارت آنان به بحث و بررسی پردازیم. در این مجال به نمونه‌هایی از سیره این بزرگواران اشاره می‌کنیم:

امام خمینی وارد

حرم مطهر که می‌شد،

ابتدا زیارت امین الله را از حفظ

می‌خواند و بعد هم زیارت جامعه را از

روی مقاییح می‌خواند و به طرف بالاسر

هم به خاطر احترام امام نمی‌رفت و

حدود یک ساعت زیارت امام

طول می‌کشید

### ۱. سیره امام خمینی (ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

حضرت آیت‌الله ملکوتی درباره سیره امام چنین می‌گوید: امام خمینی (رحمه الله) زمانی که در قم بود، دو ویژگی از ایشان می‌دیدم:

۱. دائم الجماعه بود؛ یعنی مقید بود نمازهای پنج گانه را به جماعت بخواند. وی

مرتب نماز صبح را در بالاسر حرم مطهر حضرت

معصومه (سلام الله علیها) حاضر می‌شد و در نماز

جماعت مرحوم آیة‌الله العظمی حاج سید صدرالدین صدر شرکت می‌کرد که در همان

بالاسر دفن شده است. یادم هست هر وقت او نمی‌آمد، به‌جای ایشان حضرت آیة‌الله حاج

سید احمد زنجانی نماز را اقامه می‌کرد و حضرت امام برای نماز ظهر و عصر هم به مدرسه

فیضیه تشریف می‌آورد و در نماز زنجانی حاضر می‌شد و نماز

مغرب و عشاء را هم در مدرسه فیضیه که نماز جماعت به امامت مرحوم آیة‌الله حاج سید

محمد تقی خوانساری برگزار می‌گردید، اقامه می‌کرد.

۲. امام به طور مرتب در قم به

زیارت حضرت معصومه (سلام

الله علیها) و در نجف به زیارت

حضرت امیرالمؤمنین (علیه

السلام) می‌رفت. یادم هست

که امام بزرگوار هر روز بعد از

درس فلسفه که عصرها بود و

من هم در آن شرکت می‌کردم

به زیارت حضرت معصومه

(سلام الله علیها) می‌رفت و

بعد به فیضیه برای شرکت در

نماز جماعت مرحوم خوانساری

می‌آمد. همین طور زمانی هم که

درس اصول تدریس می‌کرد

که آن هم عصرها بود، هر روز



### امام بزرگوار در

مناسبت‌هایی مثل اول ماه رجب و نیمه رجب و نیمه شعبان، به کربلا مشرف می‌شد و برای زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌رفت آنجا هم زیارت امین الله و جامعه و عاشورا را می‌خواند و هم نماز زیارت به جا می‌آورد و معمولاً شب را در کربلا بود و صبح به نجف اشرف برمی‌گشت.

برای زیارت آن حضرت مشرف می‌شد و در نجف نیز امام امت (قدس سرہ) هر روز برای زیارت به حرم مطهر و باعظیمت امیرمؤمنان مشرف می‌شد و قبر آن بزرگوار ازیارت می‌کرد.<sup>۲</sup>

حجت‌الاسلام والمسلمین قرهی از علمای شناخته شده‌ای است که پیش از تبعید امام در قم، از شاگردان ایشان بود و سپس در نجف و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همچنان با امام رضوان الله علیه ارتباط داشت. وی درباره سیره زیارتی امام (رحمه‌الله علیه) چنین می‌فرماید:

برنامه زیارتی امام (رحمه‌الله علیه) در نجف چنین بود که وقتی دو ساعت و نیم از شب (مغرب) می‌گذشت، از اندرونی به بیرونی تشریف می‌آورد و نیم ساعت جلوس می‌کرد و مراجیین و کسانی که کاری یا سؤالی داشتند، خدمت امام می‌رسیدند و بعد امام برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حرکت می‌کرد و می‌رفت و هر کاری هم که داشت و هر کس را هم که در بیرون بود، رها کرده و می‌رفت. وارد حرم مطهر که می‌شد، ابتدا زیارت امین الله را از حفظ می‌خواند و بعد هم زیارت جامعه را از روی مفاتیح می‌خواند و به طرف بالاسر هم به خاطر احترام امام نمی‌رفت و حدود یک ساعت زیارت امام طول می‌کشید و چهار ساعت از شب گذشته، به منزل برمی‌گشت. پس از مدتی من دیدم خادمین برای بستن درب حرم، ملاحظه امام را می‌کردند؛ لذا به امام تذکر دادم و امام پس از این تذکر، دیگر زیارت جامعه را در حرم ادامه نداد. جالب این بود که گاهی هم که مشرف می‌شدیم و حرم را به خاطر مسائلی بسته می‌دید، همین زیارت‌ها و برنامه را در رواق‌های اطراف، به طور کامل انجام می‌داد. این برنامه منظم امام بود و در زمان‌های شلوغ هم ترک نمی‌شد. ضمناً امام هنگامی که وارد نجف شد و هنوز تدریس را شروع نکرده بود، صبح‌ها هم به حرم مشرف می‌شد و بعد از مدتی که تدریس را شروع کرد، فقط شب‌ها در همان ساعت مشخص مشرف می‌شد. امام بزرگوار (رحمه‌الله علیه) در مناسبت‌هایی مثل اول ماه رجب و نیمه رجب و نیمه شعبان، به کربلا مشرف می‌شد و برای زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌رفت آنجا هم زیارت امین الله و جامعه و عاشورا را می‌خواند و هم نماز زیارت به جا می‌آورد و معمولاً شب را در کربلا بود و صبح به نجف اشرف برمی‌گشت. در طول این چند سالی که من در نجف در خدمت حضرت امام خمینی بودم، به یاد ندارم که که ایشان غیر از حرم امیرمؤمنان حرم امام حسین و حرم حضرت ابوالفضل (علیهم السلام) به سایر اماکن

زيارتی، حتی، مثل تل زینبیه بروند.<sup>۳</sup>

## ٢. سیرہ علامہ آیۃ اللہ حاج شیخ عبدالحسین امینی (صاحب الغدیر)

آیت‌الله ملکوتی در بیان سیره علامه امینی می‌فرماید: مرحوم علامه امینی برای نوشتمن کتاب گران قدر «الغدیر» سفرهای زیادی می‌کرد؛ ولی زمانی که در نجف بود، به طور مرتب به زیارت قبر مقدس حضرت امیر(علیه السلام) می‌رفت و همیشه وقته وارد حرم مطهر می‌شد، در پایین پای حضرت قرار می‌گرفت و آن جا زیارت می‌کرد و نماز می‌خواند و از همانجا بر می‌گشست و به احترام آن حضرت،

حضرت و پست سر عربی  
علامہ امینی هنگ آن حضرت نمی رفت.

که روز عاشورا در کربلا بود،  
می‌آمد و در حرم امام حسین (علیه  
السلام) پیراهن بلندی می‌پوشید و چفیه  
به سر می‌انداخت و با پای برهنه، مشکی  
به همراه خود برداشته و به دوش  
می‌گذاشت و به زائرین آب می‌داد و  
به اصطلاح سقاوی می‌کرد.



او هنگامی که روز عاشورا در کربلا بود، می آمد و در حرم امام حسین (علیه السلام) پیراهن بلندی می بوشید و چفیه به سر می انداخت و با پای بر亨ه، مشکی به همراه خود برداشته و به دوش می گذاشت و به زائرین آب می داد و به اصطلاح سقای، می کرد.<sup>۴</sup>

### ٣. سيرة مرحوم آية الله العظمى بهجت (رضوان الله تعالى عليه)

برای آگاهی از سیره مرحوم آیت‌الله بهجهت، خدمت حجت‌الاسلام  
والمسلمین حاج شیخ علی بهجهت، فرزند آن مرحوم رسیدیم تا سیره زیارتی ایشان را از زبان فرزندی  
که به تعبیر خودش در این اوخر، تمام وقت همراه پدر و ملازم  
او بود، بشنویم. ایشان پس از صحبت‌های مقدماتی، شمه‌ای  
از سیره پدر را چنین بیان کردند:

سالکان طریق‌الی الله معتقدند که پس از انتخاب راه، باید حرکت کرد و برای رسیدن به هدف، با کمک گرفتن از توصیلات به انوار مقدسه، راه را کوتاه‌تر کرد. مرحوم ابوی هم این عقیده را داشت و انوار مقدسه ائمه معصومین (علیهم السلام) را واسطه فرض، می‌دانستند و از راه آنان



حرکت می کردند و می فرمودند: اگر انسان با اینها راست باشد و راست حرکت کند و معتقد هم باشد، جواب می گیرد.

ایشان از دوره جوانی به زیارت اهمیت می داد و ملازم زیارت و زیارتگاهها بود. ایشان چهار سال در کربلا و دوازده سال در نجف ساکن بود و تحصیل می کرد. در این مدت مرتب به زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیهم السلام) می رفت. گرچه من اطلاع زیادی از کیفیت زیارت ایشان در آن جاها ندارم، ولی با اطلاعاتی که دارم، می دانم در مدت اقامت در نجف، تمام ایام زیارتی را به کربلا مشرف می شده و با بعضی از علمای پیاده از نجف به کربلا می رفته اند. بنا بر نقل یکی از علمای آن سفر که ایشان اغلب در ذکر یا سکوت بوده اند، در راه به منزل «خان مصلی» که رسیدیم، نماز صبح را جملگی به ایشان اقتدا کردند؛ با این که از ایشان بزرگتر هم بودند، نماز بسیار عجیبی اقامه نمودند. ایشان از زمان جوانی که برای تحصیل علم به عتبات عالیات مشرف شد، به راز و نیاز و توصلات بسیار اهمیت می داد. مرحوم آقا خوش می فرمود: من یک سال و اندی در کربلا ماندم که بالغ شدم و می فرمود: اولین باری که در کربلا برای زیارت مشرف شدم، دیدم در یک رواق کوچک، آقایی مشغول نماز جماعت است که حالات عجیبی دارد. تصمیم گرفتم فردا برای نماز بروم آن جا و نماز صبح را به ایشان اقتدا کنم. فردا که مشرف شدم، دیدم رواقی که ایشان نماز می خواند بسیار کوچک است؛ به طوری که حدود بیست نفر بیشتر داخل رواق نمی توانند نماز بخوانند و اقتدا کنند. من با خود فکر کردم من که کوچک هستم – کمتر از چهارده سال داشتم – اگر داخل رواق بایstem، ممکن است مرا بیرونم کنند. در این فکر بودم که دیدم نزدیک امام جماعت چهارپایه ای هست؛ تصمیم گرفتم کنار چهارپایه بایstem و چنانچه خواستند بیرونم کنند، بروم داخل چهارپایه بایstem و نماز بخوانم. همانجا نزدیک امام جماعت ایستادم و امام جماعت آمد و نماز را شروع کرد و چون روز جمعه بود، شروع به خواندن سوره جمعه کرد. دیدم آن بزرگوار خشوع و خضوع عجیبی دارد و در هنگام نماز، در احوالات عجیبی سیر کرد که گفتنی نیست.

ایشان از جوانی در این فکر و این حال بود که چنین درک و بینشی، از احوالات درونی و سیر عرفانی پنهان آن بزرگ مرد پرده برداشته و راز نهانش را یافته که از کس دیگری حتی بزرگان تلامذه و شاگردانش، این مقام پنهان مانده بود. با این درک و آگاهی در این سن کم می توان حدس زد که در زیارت هم چه حال و هوای عجیبی داشته است. یکی از مراجع متوفی می گفت: من آقای بهجهت را گاهی اذیت می کردم و سر به سرش می گذاشتم و حرف هایی را به شوخي به او می گفتم که گاهی اذیت می شد. یک روز ایشان وارد حرم امیرالمؤمنین (علیهم السلام) شد و مرا به اسم صدا کرد و گفت: اگر از این به بعد مرا اذیت کنی،

آیت الله بهجهت  
می فرمود: در حرم داد نزنند  
و سر و صدا راه نیاندازند؛ حتی  
برای صلوات خواستن، اگر بدانید  
چه بزرگانی و ملائکه ای در حرمها  
هستند که اذیت می شوند،  
چنین نمی کنید.



به این مولا قسم می‌گوییم که از نجف بیرونست کند و من یقین داشتم که او این کار را می‌تواند بکند؛ لذا دیگر ادامه ندادم. ایشان هنگامی که در نجف بود، وقتی از درس و بحث و ریاضات سیر و سلوکی کسل و خسته می‌شد، چند روزی برای زیارت ائمه علیهم السلام به کربلا و کاظمین و سامرا می‌رفت. ایشان می‌فرمود: در حرم داد نزنند و سر و صدا راه نبیندازند؛ حتی برای صلوات خواستن، اگر بدانید چه بزرگانی و ملایکه‌ای در حرم‌ها هستند که اذیت می‌شوند، چنین نمی‌کنید.

فرزند مرحوم آیت الله بهجهت آنگاه به دوران حضور پدر در قم اشاره کرد و گفت: وقتی که ایشان حدود ۶۴ سال پیش یعنی سال ۱۳۲۴ شمسی به قم مشرف شد و مستقر گردید هر روز به حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) مشرف می‌شد. در سال ۱۳۳۷ با این که منزل ما در خیابان آذر حسین آباد، در محله عربستان بود و راه تا حرم دور بود، ولی ایشان برای درس و بحث و تدریس و سپس برای زیارت، به طور مرتب به حرم مشرف می‌شد و هر روز حتی روزهایی که درس و بحث هم تعطیل بود، مقید بود که برای زیارت، به حرم برود. زیارت ایشان در حرم مطهر حداقل بیش از یک ساعت و نیم یا دو ساعت و بعضی از روزها تا سه ساعت هم طول می‌کشید و حدود یک ساعت را در مقابل ضریح حضرت معصومه (س) می‌ایستاد و سپس به داخل رواق‌ها می‌رفت که بعضی از شاگردان ایشان ساعت گذاشته بودند؛ زیرا همیشه علاوه بر زیارت حضرت معصومه، زیارت امین الله و زیارت جامعه کبیره را در حرم می‌خواند. به همین جهت من هم که خیلی از اوقات کنار ایشان می‌نشستم و گوش می‌دادم، زیارت جامعه را حفظ شده بودم. از ایشان سوال شد این زیارت‌ها را چرا این جای خوانید، در پاسخ فرمود: بزرگوارانی

که در این زیارت‌ها مورد خطاب هستند را از همین جا زیارت می‌کنم. ایشان برای زیارت حضرت مصصومه سلام الله علیها معمولاً به ضریح نزدیک نمی‌شد؛ بلکه در کنار دیوار طرف مسجد اعظم می‌ایستاد و زیارت می‌کرد تا کسی مزاحم نشود.

یکی از ویژگی‌های ایشان این بود که حدود دو ساعت قبل ازفجر، از خواب بیدار می‌شد و وضو می‌گرفت و مشغول عبادت می‌گردید. هنگامی که صبح می‌شد، برای نماز و زیارت حرم از منزل خارج می‌شد. زیارت ایشان طول می‌کشید؛ بهطوری که معمولاً برنامه‌های عبادت ایشان از وقتی که بیدار می‌شد، تا می‌رفت حرم و زیارت و برمی‌گشت پنج الی شش ساعت طول می‌کشید و روزهای پنج‌شنبه و جمعه بیشتر هم می‌شد و وقتی هم که حرم شلوغ می‌شد، به رواق‌های اطراف می‌رفت و آن‌جاها راز و نیاز می‌کرد؛ ولی با این‌همه، وقتی از حرم برمی‌گشت احساس خستگی نمی‌کرد؛ بلکه با نشاط‌تر می‌شد. بله ایشان نمازهای واجب را که می‌خواند خیلی احساس خستگی می‌کرد؛ بلاشبیه ایشان

وقتی با آن حال مخصوصی که داشت در نماز با فشار زیادی که تحمل می‌کرد، به اندازه‌ای از حرارت عرق می‌ریخت که پیراهنشان خیس می‌شد؛ همانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) که نقل شده است هنگام نزول وحی، احساس سنگینی می‌کرد و عرق می‌کرد؛ لذا ما کنارش پنکه می‌گذاشتیم تا اذیت نشود.

مرحوم آقا وقتی به مشهد مشرف می‌شد، در راه زیاد خسته می‌شد و احساس ضعف می‌کرد و گاهی می‌فرمود: انگار از قم تا مشهد پیاده آمدما؛ لذا دفعه اول که به حرم مشرف می‌شد، زیارت کوتاهی می‌کرد و برمی‌گشت و زیارت دفعه اول حدود بیست دقیقه‌الی نیم ساعت بیشتر طول نمی‌کشید، ولی پس از رفع خستگی، روزهای دیگر زیارت‌ش را بسیار طول می‌داد و زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) طولانی‌تر از حرم حضرت مصصومه (سلام الله علیها) می‌شد. ایشان در مشهد مخصوصاً آن اوایل تا این چند سال قبل که هنوز خیلی پیر نشده بود و توان بیشتر داشت، هر روز دو بار به حرم مشرف می‌شد؛ یکبار صبح زود و یکبار هم شب، پس از آن که شلوغی بعد نماز مغرب و عشاء فروکش می‌کرد به حرم مشرف می‌شد و زیارت می‌کرد و حدود ساعت ده شب از طرف مسجد گوهرشاد بیرون می‌آمد.



بعد از حرم و زیارت  
در رواق به آیت الله بهجهت گفتمن:  
آقا ما که جوان هستیم قدرت نداریم  
این همه وقت بایستیم، شما چگونه خسته  
نمی‌شوید؟! آقا چیزی نفرمود تا رسید به  
خیابان و اشاره کرد رفتم نزدیک؛ پولی داد  
به من و فرمود: به عطاری مراجعه کن و  
داروی عین، شین، قاف(عشق) تهیه  
کن و میل کن تا خسته نشوی.

شیوه زیارتی آیت الله بهجهت در آستان امام رضا (ع) نیز  
بخش خواندنی این گفتگو بود:

ایشان در حرم امام رضا (علیه السلام)  
زیارت‌ها را همیشه بیش از یک ساعت  
ایستاده می‌خواند و حتی به دیوار هم تکیه  
نمی‌داد. ما هم که جوان بودیم، خسته  
می‌شدیم و می‌نشستیم؛ ولی ایشان خسته  
نمی‌شد و با زیارت شاداب‌تر هم می‌شد. یادم  
هست یکی از بزرگان آن جا که منبر می‌رفت  
و مسئله می‌گفت در حرم هماره آقا خیلی خسته  
و اذیت می‌شد و می‌نشست و می‌گفت: ایشان با

این که هشتاد سال

دارد، چطور همیشه در حال

ایستاده همه زیارت‌ها را النجام می‌دهد؟! بعدها که  
سن آقا زیاد شده بود، به عصا تکیه می‌داد و باز  
ایستاده زیارت می‌کرد که به آن بزرگوار گفتمن شما  
آقا را چشم کردید و حالا با تکیه به عصا زیارت  
می‌کند که گفت: من چشم زدم بلکه نایستد و  
خسته نشود! یکی از شاگردان ایشان می‌گوید بعد  
از حرم و زیارت در رواق به ایشان گفتمن: آقا ما که  
جوان هستیم قدرت نداریم این همه وقت بایستیم،  
شما چگونه خسته نمی‌شوید؟! آقا چیزی نفرمود تا  
رسید به خیابان و اشاره کرد رفتم نزدیک؛ پولی داد  
به من و فرمود: به عطاری مراجعه کن و داروی  
عین، شین، قاف(عشق) تهیه کن و میل کن تا  
خسته نشوی.

ایشان علاقه عجیبی به زیارت داشت و به آن بسیار

اهمیت می‌داد. یک بار که به مشهد مشرف شده بودیم، مرحوم شهید مطهری(ره) از  
ایشان دعوت کرد که به فریمان بود و مهمان ایشان شود و حتی به من هم فرمود شما  
آقا راضی کنید به فریمان بیاید؛ چون مرحوم علامه طباطبائی(ره) هم مهمان ایشان  
بود و فرمود اگر ایشان هم بباید ملاقات ایشان و علامه طباطبائی دیدنی و بسیار خوب و  
مفید خواهد بود. من هم به آقا اصرار کردم؛ ولی ایشان راضی نشد. بعد از سال‌های سال  
که از این قضیه گذشت، صحبت این موضوع شد؛ به من فرمود: من علاقه داشتم به آن

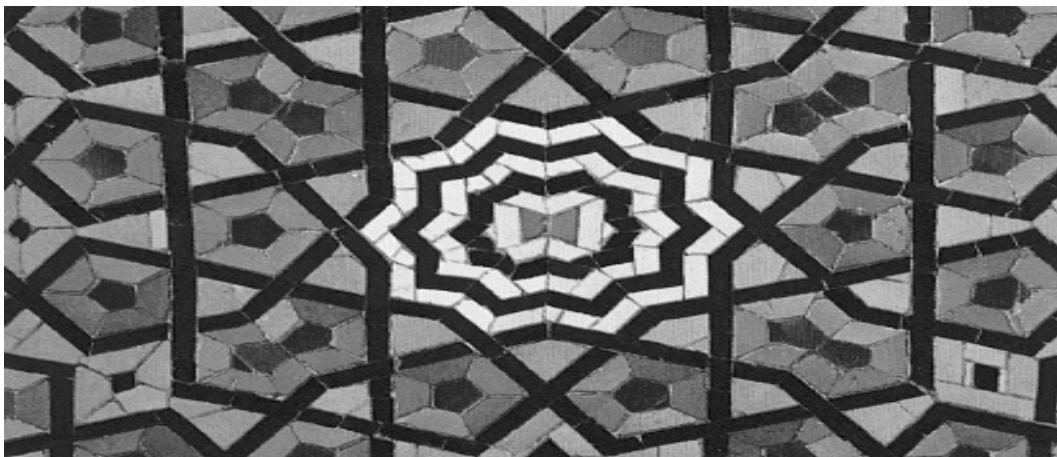


آیت الله بهجت برای  
من برنامه هفتگی نوشت و به  
من داد که در آن نوشته بود «برنامه  
هفتگی با آسانی انشاءالله» و در آن  
برنامه چند چیز را تأکید کرده بود: ..  
این که هفته‌ای دو بار به حرم مشرف  
شدن برای طلبه خوب است که  
یک بار آن صبح یا شب جمعه  
باشد.

میهمانی و ایشان هم اصرار کرد، ولی عذرخواهی کرد؛  
چون احساس کرد اگر به آن میهمانی بروم، توفیق  
یک زیارت حضرت رضا (علیه السلام) از من سلب  
خواهد شد؛ لذا با آن همه اصرار ایشان عذرخواهی  
کردم و نرفتم؛ ولی اکنون چند روز است که به  
مشهد آمدهام و از کسالت، یک بار نتوانسته‌ام  
حرم بروم!  
ایشان این قدر علاقه‌مند به زیارت حضرت بود.  
وقتی هم که توانایی نداشت و احیاناً نمی‌توانست به  
حرم مشرف شود، از همان خانه زیارت می‌کرد و به  
والده هم که ناتوان و ضعیف بود و نمی‌توانست به حرم  
مشرف شود، می‌فرمود در آخرین نقطه خانه بایستد و زیارت  
کند و می‌فرمود: همینجا (آخرین نقطه توانایی) حرم توست و خودش هم آن وقت  
که نمی‌توانست چنین می‌کرد.

من خوب یادم هست در سال ۱۳۴۴ که به شرح لمعه مشغول بودم، ایشان برای من برنامه  
هفتگی نوشت و به من داد که در آن نوشته بود «برنامه هفتگی با آسانی انشاءالله» و در  
آن برنامه چند چیز را تأکید کرده بود: این که یک درس اصول و یک درس فقه بخوان؛  
ادبیات را یک بار مرور کن و هر روز بیا و مقداری از شرح ابن عقیل را برای من بخوان،  
چون ایشان به ادبیات خیلی اهمیت می‌داد و خودش هم در ادبیات قوی بود؛ این که  
هفته‌ای دو بار به حرم مشرف شدن برای طلبه خوب است که یک بار آن صبح یا شب  
جمعه باشد؛ مطالعات را در منزل انجام بده و کتابخانه نرو، مگر همراه برادرت، چون آن  
وقت من کوچک بودم. این نوشته را من هنوز دارم و سعی کردم آثار ایشان را تا می‌توانم  
حفظ کنم؛ زیرا مرحوم علامه محمد تقی جعفری در سال ۱۳۶۳ به من تأکید کرد هر  
چه ایشان فرمود آن را حفظ کنید و من از آن سال تلاش داشتم آنچه مربوط به ایشان  
است را نگهداری کنم.

توجه و انس آیت الله بهجت به زیارت امام زادگان نیز در سیره زیارتی ایشان جایگاه خاصی داشت، به  
گونه‌ای که فرزند ارجمندشان در گفتگو می‌گوید:



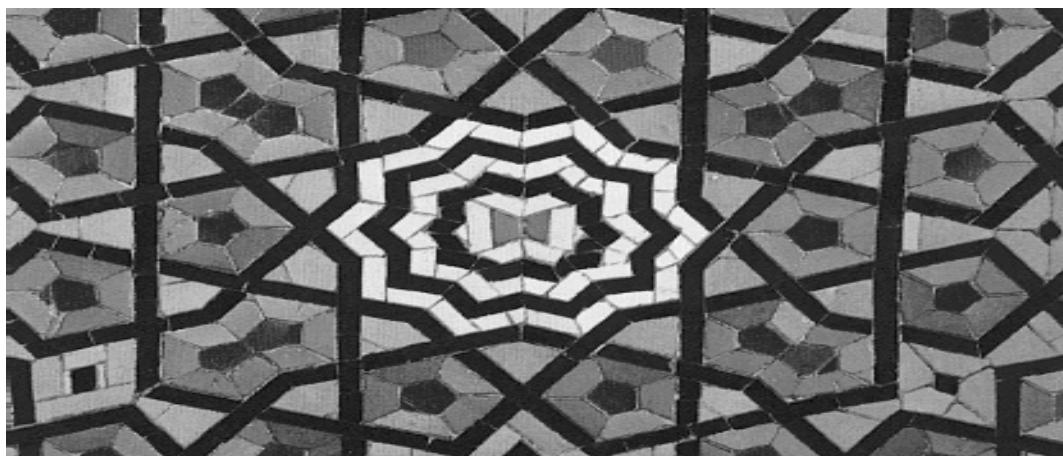
ایشان همیشه سفارش می‌کرد به زیارت امامزادگان هم بروید؛ زیرا هر کدام خواصی دارند و هر یک از آنان در حکم داروی مخصوصی هستند. ایشان می‌فرمود: اگر مردم تهران هفت‌های یک بار به زیارت حضرت عبدالعظیم نرونده، جفا کرده‌اند. خود ایشان امکان نداشت که به تهران برود و به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی مشرف نشود. مرحوم آقا وقتی به طرف مشهد حرکت می‌کردند، مقید بودند تا در رفت و برگشت، به زیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شود و اگر درب حرم بسته هم بود، می‌گفت پشت حرم می‌مانیم تا باز شود و زیارت کنیم، بعد برویم. بهایاد دارم یک بار نیمه شب از مشهد مقدس به تهران رسیدیم و به حضرت عبدالعظیم رفتیم، اما درب حرم بسته شده بود، فرمود: اگر مسافرخانه بدون پله باشد، آن جا اطاق بگیریم و بمانیم تا صبح به زیارت مشرف شویم و بعد برویم که این کار را کردیم و ایشان به زیارت حضرت عبدالعظیم و امامزاده‌ها هم می‌رفت و سفارش می‌کرد که باید اینها را احیاء کرد و حتی به آفای ری‌شهری سفارش کرد که قبور علما آن جا را مشخص و احیاء کند که ایشان هم دستور داد و این کار را انجام دادند.

ایشان در قم هم مقید بود که روز وفات امام جواد (علیه السلام) به چهل اختران برود و قبر موسی مبرقع را زیارت کند.<sup>۵</sup>

### زیارت در کلام حضوت آیت‌الله بهجت (ره)

در پایان، نه نکته از نکات الهام بخش این عالم وارسته تقدیم می‌شود:

۱. توفیق زیارت ربطی به داشتن پول ندارد؛<sup>۶</sup>
۲. ایرانی‌ها باید نعمت حرم امام رضا (علیه السلام) را که زیارت آن برای شان فراهم است، مغتنم بشمارند؛<sup>۷</sup>
۳. حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) نعمت بزرگ و گران‌قدری است که در اختیار ایرانی‌هاست و عظمتش را خدا می‌داند؛<sup>۸</sup>
۴. انسان اگر هر یک از مشاهد مشرفه را طوف کند، همه مشاهد مشرفه را در همه جا زیارت کرده و برایش مفید است؛<sup>۹</sup>
۵. به امامزاده‌ها بروید؛ زیرا این بزرگواران هم‌چون میوه‌ها که هر کدام خاصیتی دارند، هر کدام‌شان خواص و آثاری دارند؛<sup>۱۰</sup>



- ع یکی از کرامات‌های شیعه، قبور و مزارهای امامزادگان است، لذا نباید از زیارت آن‌ها غافل باشیم و خود را محروم سازیم;<sup>۱۱</sup>
۷. اهم آداب زیارت این است که بدانیم بین حیات معصومین (علیهم السلام) و مماتشان هیچ فرقی وجود ندارد;<sup>۱۲</sup>
۸. دیده و شنیده شده که اشخاص در مشاهد مشرفه به امامی که صاحب ضریح است، سلام کرده و جواب شنیده‌اند;<sup>۱۳</sup>
۹. اگر کسی بخواهد عطش دیدار آن‌ها (معصومین علیهم السلام) را در وجود خود تخفیف دهد، زیارت مشاهد مشرفه به منزله ملاقات آن‌ها و دیدار امام عصر(عج) است؛ زیرا آن‌ها در هر جا حاضر و ناظرند.<sup>۱۴</sup>

#### پی نوشت‌ها:

۱. در دو شماره پیشین، با سیره معصومین (علیهم السلام) و اصحاب بزرگوارشان در باب زیارت آشنا شدیم، در این بخش نمونه‌هایی از سیره علمای دین و احیاگران آیین محمدی در این‌باره را بیان می‌کنیم.
۲. برگرفته از نوار مصاحبه با حضرت آیة‌الله ملکوتی که با حضور نویسنده متعهد، جناب حجه الاسلام عبدالرحیم اباذری انعام گرفته است.
۳. برگرفته از نوار مصاحبه با حجه الاسلام و المسلمين ققره در سال ۱۳۸۸.
۴. متن پیاده شده از مصاحبه حضرت آیه‌الله ملکوتی.
۵. این مصاحبه در اوایل سال ۱۳۸۸ با حضور حجه الاسلام و المسلمين جناب آقای عبدالرحیم اباذری صورت گرفت. فرزند برومند ایشان ابتدا اظهار داشتند که مرحوم آقا زمانی که زنده بود، خودش در این موارد صحبت نمی‌کرد و می‌فرمود: تا من زنده هستم، راضی نیستم کسی از طرف من حرفی بزند؛ لذا مطالب کمی از ایشان درباره زیارت وغیره باقی مانده است.
۶. در محضر ج ۱ ص ۳۲۹
۷. همان ج ۱ ص ۳۲۹
۸. همان ج ۱ ص ۳۲۸
۹. همان ج ۲ ص ۱۰۴
۱۰. گوهرهای حکیمانه ص ۱۰۴
۱۱. در محضر ج ۵۵ ۲
۱۲. برگی از دفتر آفتاب ص ۱۴۰
۱۳. در محضر ج ۱ ص ۶۹
۱۴. همان